

راه کارهای عملی برای درس انشا

و نمیدانند. فارغ التحصیل دبیرستانی و حتی دانشگاهی ما از نوشتن عاجز است. برای نوشتن تقاضای ساده، چندبار خط می‌زند و پاره می‌کند، یا انتهای خودکار را می‌جود و سرانجام چند خطی که می‌نویسد نه سامان املائی دارد و نه سلامت دستوری... آیا چاره‌ای برای این معضل و مشکل نباید اندیشید؟ بحث بر سر مشکلی ملی به نام «نوشتن» است یا درست‌تر بگوییم ناتوانی نوشتن و این ناتوانی، بدون شک بی‌راه و چاره نیست. (سنگری، ۱۳۷۹: ۲)

به نظر می‌رسد که حفظ کردن و به خاطر سپردن مواد و ابزار و قواعد نگارشی بدون توجه به تمرین و ممارست و فعالیت‌های عملی، باعث بروز چنین مشکلی شده است. چنان‌که گفته‌اند: «برای مهارت یافتن در «نوشتن» سه شرط لازم است: استعداد، شناخت مواد و ابزار و قواعد کاربرد آن‌ها، و کارورزی، استعداد هر چند فطری است، به پرورش نیاز دارد. پیداست اگر درس و مشق در کار باشد، موهبت خدادادی هم زودتر به فعل می‌رسد، هم مستقیم‌تر.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۰: ۷) بنابراین، باید بکوشیم و در تدریس از شیوه‌ای استفاده کنیم که دانش آموز از راه تجربه و فعالیت یاد بگیرد، نه از راه حفظ کردن و به خاطر سپردن.

علل ضعف و ناتوانی دانش آموزان در مهارت‌های عملی و نیز در به کارگیری آموخته‌های نگارشی

۱. یک‌نواختی تدریس (آن هم به ویژه در شیوه سنتی) و فعال نبودن دانش آموزان در کلاس.
۲. تکیه دانش آموزان به معلم و کتاب درسی به عنوان تنها منابع یادگیری.
۳. استفاده نکردن معلم از سایر منابع یادگیری؛ شایسته است با توسعه منابع یادگیری به تکمیل و تقویت محتوای برنامه‌های درسی بپردازیم.
۴. تکیه و تأکید دانش آموزان بر حفظ مطالب نگارشی بدون کارورزی و تمرین و پژوهش.
۵. عدم تعیین تکالیف مکمل و مرتبط با درس‌های نگارشی.

چکیده

برای بهبود وضع موجود و نیز تقویت مهارت‌های عملی برای خلق و آفرینش انواع نوشته‌ها، لازم است به جای انباشته کردن ذهن دانش‌آموزان از محفوظات، آنان را در قالب همکاری‌ها و مشارکت‌های گروهی به تعامل و بحث و مناظره فعال واداریم تا از راه تجربه و فعالیت بیاموزند و یاد بگیرند، نه از راه حفظ کردن و به خاطر سپردن. به عبارت دیگر، استفاده از شیوه‌های یادگیری فعال و مشارکتی (تشریک مساعی) به همراه توسعه منابع یادگیری می‌تواند تا حدود زیادی یاددهی و یادگیری درس‌های نگارشی را به سرانجامی مطلوب برساند؛ زیرا در این شیوه، کلاس به صورت کارگاهی اداره می‌شود دانش‌آموزان به همه فعالیت‌ها پاسخ می‌دهند. آموزش درس‌های نگارشی نیز با فعالیت‌های عملی همراه می‌شود.

در پایان - برای استفاده همکاران - نمونه‌ای از اجرای موفق این شیوه را به همراه برخی اقدامات ابداعی خود که در کلاس درس‌های نگارشی اجرا کرده‌ام، به اختصار آورده‌ام.

علی صالحی

کارشناس زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های جویین سبزوار

کلید واژه‌ها:

مهارت‌های نگارشی، آموخته‌های نگارشی، یادگیری فعال، روش مشارکتی.

مقدمه

در بیان اهمیت درس‌های نگارشی همین بس که بیش از ۳۵ درصد حجم درس‌های کتاب‌های زبان فارسی، به مطالب نگارشی اختصاص یافته است. با آموزش این مطالب، از دانش‌آموزان انتظار می‌رود که مهارت‌های لازم برای شناخت و نیز به کارگیری مواد و ابزار و قواعد نگارشی را به خوبی فرا گیرند و در زندگی خود و نیز در روابط اجتماعی، از آن‌ها بهره‌مند شوند اما متأسفانه دانش‌آموزان و حتی فارغ‌التحصیلان ما، به رغم به خاطر سپردن مطالب نگارشی و کسب نمره رضایت‌بخش، نمی‌توانند معنا و مفهوم مورد نظر خود را به درستی بیروارند و نکات فنی نگارشی را در نوشته‌های خود به کار گیرند. «نسل امروز، نوشتن نمی‌تواند

۶. توجه کافی نداشتن به تکالیف دانش‌آموزان و عدم نقد و بررسی دقیق و مستمر و نیز پی‌گیری هدف‌مند تکالیف و نوشته‌های آنان.

۷. آشنا نبودن دانش‌آموزان با اهداف کلی و جزئی هر درس نگارشی؛ دانش‌آموزان نمی‌دانند هدف از خواندن این درس چیست؟ با یادگرفتن این درس به چه مهارت‌هایی دست می‌یابند و این مهارت‌ها چه تأثیری بر زندگی آنان دارد؟ و... در حالی که آگاهی از این اهداف در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه می‌کند.

۸. دانش‌آموزان در «نوشتن» ضعیف‌اند چون اهل مطالعه غیردرسی نیستند. تا آن‌ها به مطالعه عادت نکنند و بشیوه‌های درست مطالعه آشنا نشوند و محتوای فکری خود را برای نگارش درست و مفید پرورش ندهند، نمی‌توانند خوب بنویسند؛ حتی اگر روش‌های درست‌نویسی را بدانند. (هژبره، ۱۳۸۵: ۶۱)

۹. کلاس درس نگارش با کتاب‌خانه ارتباط و پیوند منطقی ندارد. «مشکل اصلی این است که در نظام آموزشی ما کتاب‌خانه مدرسه، جایگاه تعریف شده‌ای ندارد؛ یعنی بود و نبود آن صدمه‌ای به روش آموزش و نظام آموزشی ما نمی‌زند (دادار، ۱۳۷۷ به نقل از حداد عادل). کتاب‌خانه مدرسه در حکم آزمایش‌گاه زبان فارسی است. پس هرچه مجهزتر و فعال‌تر باشد، نگارش و تولیدات ادبی، که در حکم آزمایش‌های آن آزمایش‌گاه هستند، بهتر و دقیق‌تر آفریده خواهند شد.

۱۰. در ارزش‌یابی‌های درس زبان فارسی، خلاقیت و آفرینش انواع نوشته‌ها و به طور کلی مهارت‌های عملی، نمره بسیار اندکی دارد. بر این اساس، گاهی دانش‌آموز از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کند و به حفظ سایر درس‌ها می‌پردازد.

۱۱. عدم نظارت و دقیق والدین بر برنامه‌ریزی، کیفیت عمل کرد و نحوه یادگیری دانش‌آموزان. بیش‌تر اولیا فقط به گرفتن نمره بالاتر می‌اندیشند نه به یادگیری.

بنابراین، آموزش درس‌های نگارشی اولاً باید با فعالیت‌های عملی همراه باشد تا دانش‌آموزان به مهارت‌های لازم دست یابند. دوم این که باید شیوه‌های تدریس به صورت کارگاهی بنا نهاده شوند تا دانش‌آموز در کلاس به همه فعالیت‌ها پاسخ دهد.

تقویت مهارت‌های نگارشی با مطالعه غیردرسی

مطالعه غیردرسی دامنه یادگیری را گسترده‌تر و جولان‌گاه ذهن دانش‌آموزان را برای درک بهتر درس‌های نگارشی پویاتر و پرتحرک‌تر می‌سازد. بر این اساس، باید توجه داشت که دانش‌آموزان را تنها به مطالعه درس‌های نگارشی و انجام دادن خودآزمایی‌های آن‌ها مقید کردن، مطلوب نیست؛ زیرا «محتوای درسی به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای است که توسط آن، دانش‌آموزان می‌توانند دانش خود را

گسترش بدهند و آن‌چه را در اطرافشان وجود دارد، درک کنند» (فهندز، ۱۳۸۴: ۶۸). بنابراین، لازم است ما، معلمان، اولیا و دانش‌آموزان، به مطالعه غیردرسی نگرش درست و مثبتی داشته باشیم و بدانیم که:

۱. مطالعه غیردرسی به معنی مطالعه هر کتابی نیست. ما مجاز نیستیم هر کتابی را بخوانیم. عمر انسان کوتاه و فرصت‌ها گذرنده و کتاب‌هایی شمارند. ما باید چگونه خواندن و چه خواندن را یاد بگیریم تا هنر کتاب خواندن و هنر هر کتابی، نخواندن را بیاموزیم.

۲. مطالعه غیردرسی برای تکمیل و غنی‌سازی محتوای درس‌های نگارشی و نیز رفع نواقص و کاستی‌ها و کمبودهای احتمالی این‌گونه درس‌هاست. به عبارت دیگر، مطالعه غیردرسی، برای دانش‌آموزان، در اصل نوعی مطالعه تکمیلی بر اساس درون‌مایه درس‌هاست که باید برای تعمق یادگیری و تقویت مهارت‌های نگارشی از آن به خوبی استفاده شود.

۳. کتاب‌خانه یک واحد آموزشی فعال و نیز مرکز یادگیری و منابع اطلاعاتی ما در مدرسه است که نقش بسیار مهمی در تقویت مهارت‌های عملی درس‌های نگارشی دارد. لذا شایسته است معلم، به عنوان محور اساسی آموزش، تفکر سنتی برنامه درسی مبتنی بر تمایز مطالعه درسی را از مطالعه غیردرسی، کنار بگذارد و بین یادگیری داخل کلاس و خارج از کلاس مرزی قائل نشود. «برای بسیاری از معلمان، کتاب درسی در زندگی حرفه‌ای‌شان حکم همه چیز را دارد و این جای تأسف دارد؛ زیرا کتاب درسی چنان‌چه به طور صحیح مورد استفاده قرار بگیرد، تنها یکی از وسایل آموزشی است...

کتاب درسی می‌تواند زمینه مناسبی برای تهیه فعالیت‌های یادگیری جالب و منظم (مثل بحث، پژوهش و فعالیت‌های تحقیقی) که نیاز به تفکر انتقادی بیش‌تر و فرایندهای ذهنی عالی تری دارند، باشد.» (کالاها و کلارک، ۱۳۷۵: ۴۲۷) معلم در تدریس درس‌های نگارشی باید به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموز اطلاعاتی به مطالعه غیردرسی احساس نیاز کنند. او باید با شیوه‌های گوناگون و مناسب، مطالعه غیردرسی را مکمل درس‌های نگارشی دانش‌آموزان خود کند تا روند تدریس تسهیل شود و دانش‌آموزانش فعال، جست‌وجوگر و خلاق بار بیایند.

تقویت مهارت‌های نگارشی

در بستر یادگیری مشارکتی و فعال

«ما می‌خواهیم محیط آموزشی به صورتی باشد که نه تنها موجب کسب دانش شود بلکه موجب خلق دانش بشود. زمانی این خواسته به حقیقت می‌پیوندد که دانش‌آموزان خود درگیر یادگیری باشند. آن‌ها باید قادر باشند که دانش‌ها را پردازش کنند، نه این که فقط اطلاعات را پیدا

با اجرای شیوه‌های آموزش فعال و مشارکتی به همراه توسعه منابع یادگیری، درس‌های نگارشی غنی‌تر و پربارتر، دانش‌آموزان فعال‌تر و کوشاتر، انگیزه‌ها بیشتر و قوی‌تر، استعدادها شکوفاتر و خلاق‌تر و فعالیت‌ها بیش‌تر و جهت‌دارتر می‌شود

متأسفانه
دانش آموزان
و حتی
فارغ التحصیلان
ما، به رغم به
خاطر سپردن
مطالب نگارشی
و کسب نمره
رضایت بخش،
نمی‌توانند
معنا و مفهوم
مورد نظر خود
را به درستی
بپروانند و نکات
فنی نگارشی را
در نوشته‌های
خود به کار گیرند

یا حفظ کنند» (فهندژ، ۱۳۸۴: ۶۸)؛ بنابراین، شایسته است ما در تدریس درس‌های نگارشی از شیوه‌ای استفاده کنیم که اعتماد به نفس، خلاقیت، روحیه پژوهش و نگارش را در دانش آموزان تقویت کند. در این صورت، دانش آموز ضمن برخورداری از ذهنی خلاق و پویا، توانایی درک و خلق آثار ادبی و نگارشی را خواهد داشت.

شیوه‌ای که دانش آموز در بحث‌ها و فعالیت‌های کلاس و پاسخ به خودآزمایی‌ها و تکالیف نگارشی درگیر و شریک شود، به یادگیری علاقه پیدا کند و به طور خودجوش و درونی بکوشد تا بیاموزد.

در این شیوه، دانش آموزان به گروه‌های حداکثر چهار نفری تقسیم می‌شوند؛ زیرا تعامل در این گونه آسان تر از گروه‌ها در گروه‌های بزرگ تر است. «مشارکت در گروه‌های کوچک اعتماد به وجود می‌آورد، مهارت‌های کلامی را پرورش می‌دهد و قدرت تفکر و عمل را بالا می‌برد و نتیجه این خصیصه‌ها هنگامی که تمام کلاس به کار گروهی می‌پردازند، نیز به رفتار منتقل می‌شوند.» (کالاها و کلارک، ۱۳۷۵: ۲۱۱)

اما اعضای گروه هم همیشه ثابت نیستند و هر چند جلسه عوض می‌شوند تا هر دانش آموز یاد بگیرد چگونه با دیگری یا با دانش آموزان دیگر کلاس کار کند و رقابت شدید مانع از یادگیری نشود. هم‌چنین برای بیان نظریات گروه، نماینده گروه را معلم به طور تصادفی انتخاب می‌کند تا همیشه یک نفر سخن‌گوی گروه نباشد و مهارت‌های کلامی و گفتاری دانش آموزان، به خصوص دانش آموزان کم‌رو و خجالتی، پرورش یابد.

نمونه‌ای از اجرای این راه‌کار

۱. چون تاکنون دانش آموزان یادگیری مشارکتی و کار در گروه را تجربه نکرده‌اند، قبل از اجرا، درباره ویژگی‌ها، فواید و نحوه اجرا آن توضیحاتی بدهیم تا آنان تصور نکنند که موش آزمایش‌گاهی شده‌اند و این شیوه را جدی نگیرند و همکاری نکنند.

۲. برای کسب اطمینان از این‌که آیا دانش آموزان برای انجام دادن فعالیت‌های نگارشی آمادگی لازم را دارند و آیا پیش‌نیازهای ضروری لازم است یا نه، اطلاعات و تجارب قبلی (پیش‌سازمان دهنده‌ها) را از طریق ارزش‌یابی ورودی می‌سنجیم تا توانایی و آمادگی آنان برای ارائه فعالیت‌های جدیدی مشخص شود؛ زیرا یادگیری بر مبنای آن‌چه فراگیرندگان قبلاً کسب کرده‌اند، شکل می‌گیرد.

۳. کلاس را به چند گروه فعال تقسیم می‌کنیم و تا جایی که امکان دارد در هر گروه یک دانش آموز قوی، دو متوسط و یک ضعیف می‌گنجانیم و رفاقت‌ها را هم در نظر می‌گیریم. آن‌گاه برای هر گروه نامی، و برای هر یک از اعضای گروه نیز شماره‌ای تعیین می‌کنیم. برای ارائه تکالیف یا نتیجه بحث‌ها،

به‌طور تصادفی معلم نام گروه و شماره عضو گروه را مشخص می‌کند. ابتدا صاحب همان شماره از گروه مورد نظر، به عنوان سخن‌گو، بلند می‌شود و مطالب گروه را ارائه می‌کند. سپس، همان شماره از دیگر گروه‌ها به بیان مطلب خود می‌پردازند.

در این‌جا لازم است به دانش آموزان بگوییم که در کار گروهی، هر فرد باید احساساس مسئولیت کند. معلم به پیشرفت نسبی هر فرد توجه می‌کند. همه افراد گروه فرصت برابر دارند تا توانایی خود را ظاهر کنند. معلم در کنار ثبت نمرات و حضور و غیاب، میزان مشارکت دانش آموزان در کلاس، خلاقیت، تلاش و کوشش افراد، استفاده آن‌ها از آموخته‌های قبلی و... را به دقت زیر نظر دارد و ثبت می‌کند.

۴. آن‌گاه به معرفی درس جدید، مثلاً نامه رسمی و اداری، می‌پردازیم و جهت ایجاد انگیزه، نقش آن را در جامعه بیان می‌کنیم و اهداف آموزش این درس را برای دانش آموزان باز می‌گوییم تا فعالیت‌ها، معنادار شوند و دانش آموز انرژی و وقت خود را در مسیر و جریان مشخصی هدایت کند. آن‌گاه درباره نقش نامه‌های اداری در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، حجم نامه اداری، نحوه بیان و... سؤالاتی مطرح می‌کنیم تا ذهن دانش آموزان برای رسیدن به جواب به تکاپو و تحرک بیفتد. سپس تصویر چند نامه اداری را به هر گروه می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم ظرف مدت ۲۰ دقیقه با بحث و گفت‌وگو، نامه‌ها را با هم مقایسه کنند و بگویند که چه شباهت‌هایی با هم دارند. یک نامه رسمی و اداری چه قسمت‌هایی باید داشته باشد؟ آیا این قسمت‌ها جایگاه معینی دارند؟ اگر جایگاه معینی دارند آن را مشخص کنند و ...

۵. بعد از بیست دقیقه، نام گروه و شماره دانش آموز را به طور تصادفی مشخص می‌کنیم (مثلاً عضو شماره دو از گروه تلاش). دانش آموز مورد نظر، یافته‌ها و نظریات گروه خود را بیان می‌کند و معلم به سرعت این نظریات را، که با موضوع درس مرتبط است، روی تخته می‌نویسد. سپس، طبق قرار، اعضای شماره دو هر گروه به عنوان سخن‌گو نظر گروه خود را به همراه نقد سخنان گروه‌های دیگر، بیان می‌کنند و معلم نکات مهم اظهارات آن‌ها را روی تخته می‌نویسد.

۶. در پایان، معلم به همراه دانش آموزان مطالب نوشته شده روی تخته را جمع‌بندی می‌کند و توضیح می‌دهد. آن‌گاه دانش آموزان می‌بینند که درس حاوی همان مطالبی است که آنان کشف و بیان کرده‌اند؛ یعنی، با توجه به اظهارات خود، به قسمت‌های هفت‌گانه نامه‌های رسمی و اداری دست یافته‌اند. همان‌گونه که دیدید، در چنین کلاسی هیچ‌گاه معلم متکلم وحده نیست و تک‌تک دانش آموزان در عین این‌که به یادگیری مشغول‌اند، خود از عناصر آموزش دهنده به شمار می‌روند. گویی مطالب درس جدید در بین یافته‌های دانش آموزان وجود دارد و کار معلم این است که مطالب

مطالعه غیر
درسی دامنه
یادگیری را
گسترده‌تر و
جولان‌گاه ذهن
دانش‌آموزان
را برای درک
بهتر درس‌های
نگارشی پویاتر
و پرتحرک‌تر
می‌سازد

- افزایش فعالیت دانش‌آموزان.
- افزایش رقابت سالم و مثبت در کارها و فعالیت‌ها و نیز بین گروه‌ها.
- ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری و تقویت آن.
- تقویت ارتباط عاطفی با احترام متقابل به یکدیگر و ارزش قائل شدن برای نظریات دیگران.
- تقویت قدرت بیان، و ایجاد اعتماد به نفس به خصوص در افراد کم‌رو و خجالتی و تقویت آن.
- برانگیختن حس تعاون، همکاری، هم‌فکری و دوستی و نیز تقسیم عادلانه کارها و فعالیت‌ها در میان دانش‌آموزان از طریق تبادل نظر.
- افزایش آگاهی و تقویت قدرت خلاقیت و ابتکار.
- تقویت و فعال کردن قوه تفکر، انتقاد و فراهم شدن فرصت برای ارزیابی خود.
- تقویت روابط اجتماعی به منظور انتقال افکار و اندیشه‌های خود به دیگران و همکاری و بحث با دیگران و نیز بیان انتقادات و پیش‌نهادهای سازنده و مفید.
- ایجاد انگیزه، و به مشارکت واداشتن دانش‌آموزان بی‌توجه و بی‌حال.
- تعمیق بینش و پایه‌ریزی تفکر دانش‌آموزان و جلوگیری از سطحی‌نگری و عدم ارزیابی یافته‌ها و اندیشه‌های دیگران.
- و سرانجام، از همه مهم‌تر، کسب و تقویت توانایی‌ها و مهارت‌های لازم به منظور به کارگیری مطلوب آموخته‌های ذهنی و نظری قواعد و مواد درس‌های نگارشی. با اجرای این شیوه، یاددهی و یادگیری درس‌های نگارشی را تا حدود زیادی می‌توان به سرانجامی مطلوب رساند. بنابراین، از همکاران محترم می‌خواهم تا با آشنایی با این شیوه و اجرای آن، به نتایج شگرفی که موجب تحولاتی اساسی در آموزش دروس نگارشی می‌شود، دست یابند.

درسی را، مانند جورچینی، به کمک دانش‌آموزان کنار هم بگذارد و درس را توضیح دهد.
کارها و نظریاتی که اعضای گروه ارائه می‌دهند، در مقایسه با کارها و نظریات انفرادی نتیجه بهتری دارد. در درس‌های نگارشی مرجع‌شناسی، روش تحقیق، مقاله‌نویسی و ... فعالیت دانش‌آموزان توسعه می‌یابد و به جمع‌آوری اطلاعات، کتاب‌خوانی، یادداشت‌برداری، خلاصه‌نویسی و ... منجر می‌شود که برای آنان بسیار جذاب و در فرایند آموزش بسیار مؤثر است. در این‌گونه فعالیت‌ها، باید کارها را به چند قسمت مکمل تقسیم کنیم تا به طور طبیعی، گروه‌ها همه کارها را انجام دهند. در چنین درس‌هایی، فعالیت‌های گروه به خارج از کلاس کشانده می‌شود؛ یعنی، اعضای گروه، کارها را با هم تقسیم می‌کنند تا هر کس، کاری را که در آن توانایی بیشتری دارد، انجام دهد؛ مثلاً به کتاب‌خانه مراجعه می‌کنند و هر کدام گزارشی تهیه کرده یا کتاب خاصی را بررسی می‌کنند، یادداشت‌برداری می‌کنند، مطالبی را خلاصه یا ویرایش می‌کنند و در نهایت، در کلاس ارائه می‌دهند. گروه‌ها نتایج بررسی‌های خود را نقد و بررسی و تحلیل می‌کنند و به نتایج مطلوبی می‌رسند. «در این‌گونه کلاس‌ها دانش‌آموزان به جای تکرار و حفظ، به اکتشاف، تکمیل و ارائه دروس می‌پردازند. به جای گوش دادن و عکس‌العمل نشان دادن، ارتباط برقرار می‌کنند و مسئولیت‌پذیر می‌شوند. به جای آگاهی یافتن از حقایق، واژه‌ها و محتوا، به درک فرایندها می‌رسند، آن‌ها به جای حفظ تئوری‌ها سعی می‌کنند تئوری‌ها را به کار گیرند. آن‌ها دیگر وابسته به معلم نیستند بلکه انسان‌هایی توانمند و به خود متکی هستند.» (فهندز، ۱۳۸۴: ۷۳)

نتیجه‌گیری

با اجرای شیوه‌های آموزش فعال و مشارکتی به همراه توسعه منابع یادگیری، درس‌های نگارشی غنی‌تر و پربارتر، دانش‌آموزان فعال‌تر و کوشاتر، انگیزه‌ها بیشتر و قوی‌تر، استعدادها شکوفاتر و خلاق‌تر و فعالیت‌ها بیشتر و جهت‌دارتر می‌شود؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان درس‌های نگارشی را به طور عملی یاد می‌گیرند و خلاق و آفرینش‌گر بار می‌آیند و به نتایج و فواید فراوانی دست می‌یابند که عبارت‌اند از:

- تعمیق فرایند یاددهی و یادگیری درس‌های نگارشی؛ به دانش‌آموزان کمک می‌شود تا در کنار عمل، بیاموزند و یاد بگیرند، خود تجربه کنند و از تجربه‌های دیگران، به خصوص هم‌سالان خود، بهره ببرند.
- توسعه منابع یادگیری از کتاب درسی و معلم به سایر منابع و نیز تکمیل و تقویت محتوای برنامه‌های درسی.
- شاد و بانشاط بودن کلاس درس‌های نگارشی و لذت‌بخش بودن یادگیری.

منابع

۱. دادار، نصراله؛ وضعیت کتاب‌خانه‌های مدارس، کتاب سروش (کتاب و جامعه)، انتشارات سروش، دوره اول سال ۱۳۷۷.
۲. سمیعی گیلانی، احمد؛ آیین نگارش، چ ۴، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۳. سننگری، محمدرضا؛ «یادداشت سردبیر»، مجله رشد زبان و ادب فارسی، دوره پانزدهم، شماره ۵۶.
۴. سیف، علی اکبر؛ روش‌های یادگیری و مطالعه، چ ۲، نشر دوران، ۱۳۷۹.
۵. فرجاد، محمدعلی؛ اصول برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، چ ۱، انتشارات الهام، ۱۳۷۴.
۶. فهندز، محبوبه؛ یادگیری پژوهش محور، چ ۲، انتشارات سروش هدایت، ۱۳۸۴.
۷. کالاهان، جوزف، کلارک، لئونارد؛ آموزش در دوره متوسطه، مترجم: جواد طهوریان، چ ۴، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۸. هژبر، منیرالسادات؛ «راهبردهای ارزش‌یابی از نوشته‌های دانش‌آموزی»، مجله رشد زبان و ادب فارسی، دوره بیستم، شماره یک.